

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: 99/07/03

موضوع: ریشه‌ها و عوامل صلح امام حسن مجتبی (سلام الله علیه) با معاویه

ویژه برنامه حدیث غربت

فهرست مطالب این سخنرانی:

دیدگاه بزرگان شیعه در تاریخ شهادت امام حسن مجتبی (سلام الله علیه)

آیا امام حسن (سلام الله علیه) امامت خود را به «معاویه» واگذار کرد؟!؟

امام حسن مجتبی، امام منصوب از طرف امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

ریشه‌ها و عوامل صلح امام حسن مجتبی (سلام الله علیه) با معاویه

الف) خیانت فرمانده سپاه امام

ب) جنگ روانی معاویه

ج) خستگی مردم از جنگ

د) ناخالصی یاران امام حسن

هدف اصلی امام حسن (سلام الله علیه) از صلح با معاویه

چند نکته اساسی، در مناظره با فرقه بهائیت!

تماس بینندگان برنامه

نگرانی «عایشه» و «معاویه» از بی امام ماندن جامعه اسلامی!!

مجری:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين السلام عليك يا أبا محمد يا حسن بن علي أيها المجتبي يابن رسول الله

حدیث حسن تو را گفتم و حسن باشد

کسی که در وطن خویش بی وطن باشد

غریبی تو و حیدر دلیل خوبی بود

که نام دیگر مولا ابا الحسن باشد

کسی نبود که مرد جدال با تو شود

عجیب نیست اگر قاتل تو زن باشد

به حرمت کفن پاره پارهات آقا

برادر تو نباید که بی کفن باشد

هزار حرمه تشییع کرده است تو را

مدینه نقطه پیوند تیر و تن باشد

عرض سلام و ادب و احترام خدمت همه شما بینندگان عزیز ارجمند «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» و همچنین عرض تسلیت به مناسبت شهادت مظلومانه امام حسن مجتبی (علیه السلام).

به روال پنجشنبه شبها با برنامه «حبل المتین» مهمان دیدگان شما هستیم و ان شاءالله توفیق این را داریم که بهره مند شویم از محضر استاد بزرگوار حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی. سلام علیکم و رحمة الله؛

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ بنده هم خدمت همه بینندگان عزیز که در هرکجای این کره خاکی بیننده این برنامه هستند و یا تکرار برنامه را می بینند، خالصانه ترین سلام را تقدیم می کنم.

شهادت مظلومانه امام حسن مجتبی (سلام الله علیه) را به پیشگاه مقدس حضرت بقیه الله الأعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) و همه علاقه مندان به اهل بیت عصمت و طهارت به ویژه شما گرامیان تسلیت و تعزیت عرض می کنم.

خدا را به غربت و قلب شکسته و جگر پاره پاره امام حسن مجتبی سوگند می دهم بر سر همه خلائق منت بگذارد، فرج مولایمان حضرت بقیه الله الأعظم را نزدیک نموده و ما را از یاران خاص و سربازان فداکار و شهدای رکابش قرار بدهد، ان شاءالله.

مجری:

ان شاءالله. حضرت استاد! الحمدلله امشب فرصتی دست داده که به مناسبت شهادت امام حسن مجتبی چند سؤال از محضرتان در رابطه با حضرت و تصمیماتی که در دوران حکومت حضرت گرفته شد بپرسیم، ان شاءالله از محضرتان بهره مند شویم.

بعضی از علمای شیعه اعتقادشان بر همین هست که امشب همان شبی است که شهادت امام حسن مجتبی در آن واقع شده است.

یکی از شبهاتی که در شبکه های وهابی و فضای مجازی بسیار مطرح می کنند و اتفاقاً با بحث گذشته ما هم کاملاً مربوط هست، این است که اگر امامت امام حسن مجتبی الهی بود، چه جای تفویض آن به معاویه بود!؟

طبق آنچه در تاریخ آمده است، حضرت خلافت را به معاویه واگذار کرد و از امامتی که داشت کناره گیری کرد. اگر قرار باشد امامت الهی باشد، این حرکت چه معنایی دارد؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقرية الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله أفضو أمرى إلى الله إن الله بصير بالعباد حسبنا الله و نعم الوكيل نعم المولى و نعم النصير ماشاء الله لا حول و لا قوة إلا بالله

دیدگاه بزرگان شیعه در تاریخ شهادت امام حسن مجتبی (سلام الله علیه)

همانطور که حضرتعالی هم اشاره کردید، بعضی از بزرگان شیعه، شب بیست و هشتم ماه صفر را شهادت امام حسن مجتبی می‌دانند و بعضی از بزرگان هم، شب هفتم صفر را شب شهادت حضرت می‌دانند.

به عنوان مثال «مرحوم شهید اول» متوفای 786 هجری که یکی از استوانه‌های فقهی شیعه است و کتاب ایشان «لمعه» کتاب درسی حوزه‌های علمیه است، در کتاب «دروس» صفحه 7 می‌گوید: شهادت امام حسن هفتم صفر بوده است.

«مرحوم شیخ عبدالصمد عاملی» پدر «شیخ بهایی» یکی از فقهای بزرگ شیعه متوفای 984 هجری در کتاب «وصول الأخبار إلى وصول المقاصد» صفحه 40 می‌گوید: شهادت امام حسن مجتبی هفتم صفر بوده است.

«شیخ بهایی» (رضوان الله تعالی علیه) هم در کتاب «توضیح المقاصد» صفحه 8 همین نظر را دارند.

«مرحوم کاشف الغطاء» که یکی از علمای بزرگ و فقهای بنام شیعه و متوفای 1228 هجری است، در کتاب «کشف الغطاء» جلد اول صفحه 96 همین نظر را دارند.

کتاب «کشف الغطاء» یکی از بزرگترین کتاب‌های فقهی شیعه است و معمولاً مراجع و بزرگان ما بدون مراجعه به این کتاب، بحث‌های فقهی خود را آغاز نمی‌کنند.

همچنین «صاحب جواهر» که بحث خارج فقه شیعه بر محور این کتاب دور می‌زند، در کتاب «جواهر الکلام» جلد 20 صفحه 87 همین تعبیر را دارند.

«مرحوم محدث قمی» (رضوان الله تعالی علیه) در کتاب «الأنوار البهية» صفحه 89 همین تعبیر را دارند.

بعضی هم شب بیست و هشتم صفر را شب شهادت امام حسن می‌دانند. مشکلی که ما داریم، این است که در شب بیست و هشتم صفر شهادت رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) هست و شهادت امام حسن مجتبی تحت الشعاع قرار می‌گیرد.

اگر در هفتم ماه صفر مستقلاً مراسمی برای عزاداری امام حسن مجتبی که واقعاً مظلوم است برگزار شود، کار خوبی است.

«لَا يَوْمَ كِيَوْمِكِ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ»

الأمالی، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ص 116، ح 3

اما امام حسن مجتبی در طول دوران امامت، مخصوصاً بعد از صلح با معاویه هر روزشان عاشورا بود. جلوی چشم حضرت به امیرالمؤمنین ناسزا می‌گفتند، لعن می‌کردند، جسارت می‌کردند و امام حسن مجتبی تمام این جنایات را می‌دید.

بنی هاشم را اذیت می‌کردند و به زندان می‌انداختند و اموالشان را مصادره می‌کردند. هیچ اذیت و ظمی نبود که در دوران امام حسن مجتبی به بنی هاشم انجام نگرفته باشد و باعث شکسته شدن قلب امام حسن مجتبی نشود.

ما خدا را به غربت امام حسن مجتبی سوگند می‌دهیم تمام گرفتاری‌ها مخصوصاً بیماری منحوس کرونا را از صفحه گیتی به ویژه مسلمانان و شیعیان بردارد تا مردم نفس راحتی بکشند.

آیا امام حسن (سلام الله علیه) امامت خود را به «معاویه» واگذار کرد!؟

در رابطه با قضیه امامت الهی، «مرحوم علامه مجلسی» در کتاب «بحارالانوار» جلد 44 صفحه 30 از قول بعضی از معاندین نقل می‌کند که امام حسن (علیه السلام) خود را از امامت خلع کرد. مگر امامت الهی قابل خلع است؟! ایشان می‌نویسد:

«فمعاذ الله لأن الإمامة بعد حصولها للإمام لا يخرج عنه بقوله»

وقتی امامت الهی شد، دیگر امام نمی‌تواند خود آن را خلع کند. امامت الهی قابل خلع نیست. وقتی خداوند متعال پیراهن امامت را بر قامت فردی دوخت، دیگر احدی نمی‌تواند آن را خلع کند. ایشان حتی می‌نویسد:

«و عند أكثر مخالفينا أيضا في الإمامة أن خلع الإمام نفسه لا يؤثر في خروج من الإمامة»

اکثر مخالفین ما هم بر این عقیده هستند که اگر یک امام خود را خلع هم کند، با خلع خود از امامت خارج نمی‌شود.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 44، ص 30، باب تذييل

همینطور که در آیه شریفه آمده است:

(لا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ)

پیمان من به ستمکاران نمی‌رسد.

سوره بقره (2): آیه 124

این عهد الله است، مردم که این مقام را به امامان ندادند. همانند انسانیت انسان که کسی ادعا کند من می‌خواهم انسانیت را از خود سلب کنم. انسانیت چیزی نیست که قابل خلع باشد. خداوند عالم انسان را آفریده است.

البته بعضی از وهابیان در شبکه‌های خود ادعاهای زیادی مطرح می‌کنند مبنی بر اینکه دلیلی نداریم که امیرالمؤمنین، امام حسن را برای امامت نصب کرده باشد!!

حال آنکه سیصد روایت در کتب شیعه پیدا کردیم که رسول اکرم، امیرالمؤمنین و ائمه اطهار اسامی امامان را از امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) تا حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) آورده‌اند.

در این روایات نام ائمه اطهار به اسم و صفات یا به صورت اجمال نام اولین امام و آخرین امام را آورده‌اند.

در زمان امام صادق (علیه السلام) افرادی خدمت امام می‌آیند و عرضه می‌دارند که ما می‌خواهیم عقاید خود را عرضه کنیم. حضرت به آنها اجازه صحبت می‌دهد و آنها می‌گویند: شهادت به وحدانیت خدا و رسالت نبی گرامی اسلام و امامت امیرالمؤمنین و امام امام حسن و امامت امام حسین و امامت امام سجاد و امامت امام باقر و امامت شما.

همچنین «عبدالعظیم حسنی» خدمت امام حسن عسکری (علیه السلام) می‌آید و مسائل و عقاید خود را عرضه می‌دارد.

در بعضی از روایات داریم که حضرت به بعضی اصحاب نامه می‌نویسد. در توقیعاتی که از طرف ائمه اطهار (علیهم السلام) صادر شده است، نام امامان بزرگوار از حضرت امیرالمؤمنین تا حضرت ولی عصر آمده است.

در لوح حضرت فاطمه زهرا ده الی دوازده سند داریم که از این میان، دو سه سند صحیح است و اگر هم صحیح نباشد دوازده سند مصداق عقیده آقایان اهل سنت است که می‌گویند:

«فإن تعدد الطرق وكثرتها يقوى بعضها بعضاً حتى قد يحصل العلم بها ولو كان الناقلون فجارا فساقا»

کتاب ورسائل وفتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیة، اسم المؤلف: أحمد عبد الحليم بن تیمیة الحرانی أبو العباس، دار النشر: مكتبة ابن تیمیة، الطبعة: الثانية، تحقیق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمی النجدی، ج 18، ص 26

و به تعبیر ما روایت «مستفیض» می‌شود. علاوه بر این که بزرگان و فقهای ما تصریح کردند به صحت «حدیث صحیفه» حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) که در آنجا قضیه جابر و لوح حضرت فاطمه زهرا مطرح شده است.

در این لوح نام ائمه اطهار از امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) تا حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) بوده است. این مطالب علاوه بر کتاب‌های شیعه، در کتاب‌های علمای اهل سنت هم موجود است.

امام حسن مجتبی، امام منصوب از طرف امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

«ابن اعثم» صاحب کتاب «الفتوح» در کتاب خود جلد چهارم صفحه 285 به صراحت می‌نویسد که امام حسن در نامه‌ای به معاویه می‌فرماید:

«فإن أمير المؤمنين علي بن أبي طالب لما نزل به الموت ولاني هذا الأمر من بعده»

وقتی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب ضربت خورد، مرا ولی امر مسلمانان قرار داد.

الفتوح، أحمد بن أعثم الكوفي، تحقیق: علی شیری، چاپ: الأولى، سال چاپ: 1411، چاپخانه: دار الأضواء، ناشر: دار الأضواء للطباعة والنشر والتوزيع، ج 4، ص 285، باب ذکر کتاب الحسن بن علی إلى معاوية

«ابن اعثم کوفی» شیعه نیست، بلکه یکی از بزرگان و استوانه‌های علمی اهل سنت است. «ابن کثیر دمشقی» شاگرد «ابن تیمیه» متوفای 774 هجری در کتاب «البدایة و النهایة» جلد 6 صفحه 249 می‌نویسد:

«لأن علیا أوصی إلیه وبایعه أهل العراق»

امیرالمؤمنین امامت را به امام حسن وصیت کرد و بعد از آن مردم عراق با حضرت بیعت کردند.

البدایة والنهایة، اسم المؤلف: إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی أبو الفداء، دار النشر: مكتبة المعارف - بیروت، ج 6، ص 249، باب ذکر الاخبار عن وقعة الحرة آلتی کانت فی زمن یزید أيضا

«ابوالفرج اصفهانی» در کتاب «الأغانی» چنین تعبیر می‌کنند:

«وقد أوصی بالإمامة بعده إلی ابن رسول الله وابنه وسلیله وشبیهه فی خلقه»

الأغانی، المؤلف: أبو الفرج الأصفهانی، الناشر: دار الفكر- بیروت، الطبعة الثانية، تحقیق: سمیر جابر، ج 12، ص 380، باب خطبته فی موت علی بن أبي طالب

طبق این روایت امیرالمؤمنین به امام حسن مجتبی وصیت به امامت کردند. «ابن عبد ربه أندلسی» در کتاب «عقد الفرید» جلد 4 صفحه 437 همین تعبیر را دارد. او از «هیثم بن عدی» نقل می‌کند:

«حدثنی غیر واحد ممن أدركت من المشایخ أن علی بن أبي طالب أصر الأمر إلی الحسن»

هرچه از اساتید بزرگ شنیدم در خصوص این است که علی بن أبي طالب امامت را بعد از خود به امام حسن مجتبی وصیت کرد.

العقد الفرید، اسم المؤلف: احمد بن محمد بن عبد ربه الأندلسی، دار النشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت / لبنان - 1420 هـ - 1999 م، الطبعة: الثالثة، ج 4، ص 437، باب أخبار الدولة العباسية

بنابراین اینکه آقایان ادعا می‌کنند امامت امام حسن مجتبی به معاویه واگذار شده است، کاملاً بحث‌های بی اساس است. اصلاً جایی برای این شبهه نمی‌ماند که نستجیر بالله امام حسن مجتبی بخواهد خود را از امامت خلع کند و امامت را به معاویه واگذار کند.

معاویه طبق روایت علمای اهل سنت از «طلقاً» هست. همانطور که اهل سنت خود می‌نویسند:

«الخلافة محرمة على آل أبي سفیان وعلى الطلقاء أبناء الطلقاء»

الفتوح، أحمد بن أعثم الكوفي، تحقيق: علی شیری چاپ: الأولى، سال چاپ: 1411، چاپخانه: دار الأضواء، ناشر: دار الأضواء للطباعة والنشر والتوزيع، ج 5، ص 17، باب ذکر کلام یزید بن معاویة

در این عبارت که از قول خلیفه دوم است، آمده است: خداوند خلافت را بر کسانی که در ماجرای فتح مکه دخیل بودند حرام کرده است. پیغمبر اکرم فرمودند:

«أَنْتُمْ الطُّلَقَاءُ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 97، ص 59، ح 6

این فرمایش رسول اکرم بدان معناست که شما مستحق قتل بودید و من شما را از قتل آزاد کردم. «قریش» و «بنی امیه» بیست و یک سال با اسلام و رسول اکرم جنگیدند. پیغمبر اکرم سیزده سال در مکه بودند و هشت سال هم به مدینه آمدند.

این افراد در مکه زجرها و خون دل‌ها به رسول گرامی اسلام دادند، به طوری که قرآن کریم می‌فرماید:

(وَ لَقَدْ نَعَلْنَاكَ يَضِيقُ صَدْرَكَ بِمَا يَقُولُونَ)

ما می‌دانیم سینه تو از آنچه آنها می‌گویند تنگ می‌شود (و تو را سخت ناراحت می‌کنند).

سوره حجر (15): آیه 97

قرآن کریم خطاب به پیغمبر اکرم می‌فرماید: ما می‌دانیم که قلب تو به درد می‌آید از اینکه این افراد این طعنه‌ها و اهانت‌ها و جسارت‌ها و تهمت‌ها را در حق تو روا می‌دارند.

همچنین زمانی که «قربش» و «بنی امیه» شجره ملعونه در قرآن کریم به مدینه آمدند، پشت صحنه هشتاد سه یا هشتاد و چهار جنگی بودند علیه رسول گرامی اسلام به راه افتاد. شاخص این جنگ‌ها «جنگ بدر» و «احد» و «احزاب» است.

همچنین در «جنگ حنین» تمامی این افراد فرار کردند و جز ده الی دوازده نفر تعدادی باقی نماندند. من در خدمت حضرتعالی هستم.

مجری:

سلامت باشید، خیلی ممنون. استفاده کردیم و از محضرتان بهره بردیم. سؤالات دیگری هم باقی مانده است، اما با توجه به اینکه شب شهادت هست میان برنامه‌ای ببینیم و برگردیم از محضرتان بهره مند شویم. در خدمت شما هستیم.

یاسی به رنگ سبز ز گلخانه می‌رود

یا رب خدای درد ز کاشانه می‌رود

پیچیده بین چادر خاکی مادرش

بر دست‌ها غریبه‌ای از خانه می‌رود

اینجا هزار تیر به تشییع آمده

تا کس نگوید از چه غریبانه می‌رود

خون می‌چکد به دوش اباالفضل از کفن

گویی دوباره فاطمه بر شانه می‌رود

عرض سلام مجدد و تسلیت به مناسبت شب شهادت مظلومانه امام حسن مجتبی (علیه السلام). الحمدلله توفیق این را داریم که در ویژه برنامه «حدیث غربت» در محضر استاد بزرگوار حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی باشیم.

حاج آقا بسیار از محضرتان استفاده کردیم و الحمدلله این پیوند هم بین بحث‌های سابق و بحث فعلی ما ایجاد شد.

سؤالی که در طول زمان مطرح بوده و یکی از مظلومیت‌های امام حسن مجتبی هم بوده این است که هدف اصلی امام حسن مجتبی از صلح با معاویه چه بود؟ چه چیزهایی بود که باعث چنین صلحی شد؟!

ریشه‌ها و عوامل صلح امام حسن مجتبی (سلام الله علیه) با معاویه

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در رابطه با صلح امام حسن مجتبی چند موضوع مطرح است که باید قدری عمیق بررسی شود. این موضوعات نه از کتب شیعه بلکه باید از کتب اهل سنت مورد بحث و بررسی قرار بگیرد. حال اگر ما از کتب شیعه هم مؤید بیاوریم مسئله‌ای نیست.

اولاً باید ببینیم ریشه این صلح چه بود. چه عواملی باعث شد که حضرت به این صلح تن دادند؟ ثانیاً هدف حضرت چه بود؟ این دو بحث مستقل است. باید ببینیم ریشه و علل این صلح چیست و هدف حضرت از این صلح چه بود و چه ثمراتی می‌توانست داشته باشد.

من بارها گفتم که صلح امام حسن مجتبی و شهادت امام حسین در حقیقت یک سکه دو روست. یک طرف این سکه صلح امام حسن است. معاویه‌ای که تعبیر امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در کتاب «نهج البلاغه» در مورد او چنین است:

«فَوَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ مَا أَسْلَمُوا وَ لَكِنْ اسْتَسْلَمُوا وَ أَسْرُوا الْكُفْرَ فَلَمَّا وَجَدُوا أَعْوَانًا عَلَيْهِ أَظْهَرُوهُ»

قسم به خدایی که دانه را شکافت کسانی که در فتح مکه مسلمان شدند، مسلمان نشدند و تنها کفر خود را مخفی کردند.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص 374، خ

16

تعبیر «عمار» در کتاب «مجمع الزوائد هیثمی» جلد اول صفحه 113 این است که امام حسن مجتبی با این صلح ماهیت معاویه را به مردم نشان دادند.

ایشان نشان دادند که معاویه و بنی امیه چه ماهیتی دارند و چکار می‌کنند. آیا برای این افراد اسلام هدف است یا ریاست و حکومت؟! در طول سال‌های چهل تا پنجاه هجری و پنجاه تا شصت هجری، دودمان بنی امیه چه جنایاتی مرتکب شدند؟!

این یک طرف قضیه است. سپس زمینه سازی شد که قیام امام حسین به نتیجه برسد. امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در نامه 53 «نهج البلاغه» می‌نویسد:

«فَرَيْنَ هَذَا الدِّينَ قَدْ كَانَ أَسِيرًا فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ»

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص 435،

نامه 53

به تعبیر امیرالمؤمنین دین اسلام اسیر دست اشرار بود. قیام امام حسین، خطبه‌های آتشین حضرت زینب و حضرت أم کلثوم (سلام الله علیها)، فرمایشات امام حسن مجتبی در شام و شهادت مظلومانه حضرت رقیه بنت الحسین در خرابه شام اسلام را احیا کرد.

آن بزرگواران اسلامی که بیست و سه سال پیغمبر اکرم، حضرت صدیقه طاهره، حضرت امیرالمؤمنین، امام حسن و امام حسین برای آن خون دل خورده بودند را از چنگال اشرار نجات دادند و مردم حقیقت را فهمیدند. همچنین «بنی عباس» که با «بنی امیه» هیچ تفاوتی نداشتند، هیچکدام برای دین نبودند و بویی از دین و اسلام نبرده بودند. آن‌ها اصلاً نمی‌دانستند که اسلام را چطور می‌نویسند. برای آنها تنها حکومت ملاک بود!! «هارون الرشید» به پسرش «مأمون» می‌گوید: چرا به امام کاظم این همه احترام می‌کنی؟! «مأمون» می‌گوید: آن‌ها خلیفه واقعی هستند.

«هارون الرشید» گفت: پس چرا خلافت را واگذار نمی‌کنی؟! این عداوت‌ها چیست؟! تو که فرزند من هستی در بحث خلافت با من مخالفت کنی، دستور می‌دهم دو چشمانت را از حدقه بیرون بیاورند!!

الف) خیانت فرمانده سپاه امام

حال در رابطه با ریشه‌ها و عوامل صلح امام حسن مجتبی باید ببینیم چه عواملی دست به دست هم داد که حضرت تن به صلح بدهد. نکته اول در این زمینه توطئه‌هایی بود که معاویه داشت.

در کتاب «أنساب الأشراف» اثر «بلاذری» متوفای 279 هجری مطلبی در این خصوص آمده است. «بلاذری» امام حسن عسکری و زمان غیبت صغری را درک کرده، اما به غیبت کبری نرسیده است. او که معاصر «مرحوم کلینی» بود، در جلد اول می‌نویسد:

«ثم بعث معاوية بعد ذلك عبد الرحمن بن سمره إلى عبيد الله فخلا به، وحلف له أن الحسن قد سأل

معاوية الصلح»

«عبیدالله» برادر «عبدالله بن عباس» است. من از بیگانگان هرگز ننالم که با من هرچه کرد آن آشنا کرد! «عبدالرحمن بن سمره» نزد «عبیدالله بن عباس» آمد که در حقیقت یکی از فرماندهان نظامی امام حسن مجتبی در جنگ با معاویه بود.

«وجعل لعبيد الله ألف ألف درهم إن صار إليه»

و به او گفت که اگر به من بپیوندى یک میلیون درهم به تو خواهم داد.

أنساب الأشراف، اسم المؤلف: أحمد بن يحيى بن جابر البلاذرى (المتوفى: 279 هـ)، ج 1، ص 385،

باب أمر الحسين بن علي بن أبي طالب عليهما السلام

او عنوان کرد که پانصد هزار درهم نقداً پرداخت می‌کنم و پانصد هزار درهم زمانی که برگشتی به تو خواهم داد. این چه پیامی دارد؟! «ابن ابی الحدید معتزلی» هم در کتاب «شرح نهج البلاغه» جلد شانزدهم می‌آورد و می‌گوید:

«و لك إن أجبتني الآن أن أعطيك ألف ألف درهم أعجل لك في هذا الوقت نصفها و إذا دخلت الكوفة
النصف الآخر»

سپس می‌نویسد:

«فانسل عبید الله إليه ليلا فدخل عسكر معاوية فوفى له بما وعده»

عبیدالله شبانه رفت و صبح هنگام که سپاه برای نماز آمدند دیدند فرمانده نیست و نزد معاویه رفته است.

شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد، نویسنده: ابن أبي الحديد، عبد الحميد بن هبة الله، محقق / مصحح: ابراهيم، محمد ابوالفضل، ج 16، ص 42، خ 31 و من وصيته ع للحسن ع كتبها إليه بحاضرين عند انصرافه من صفين

وقتی فرمانده گروهان یا لشکری این چنین خیانت کند، دیگر روحیه‌ای برای سربازان باقی نمی‌ماند.

ب) جنگ روانی معاویه

نکته دوم جنگ روانی بود که معاویه علیه امام حسن مجتبی به راه انداخته بود. «حسن بن فرحان المالکی» یکی از علمای بزرگ عربستان سعودی است که مالکی مذهب است، اما انسانی حر و آزاد است.

طبق آنچه شنیدیم ایشان مدتی است که در زندان تحت فشار استبداد دودمان آل سعود است. ایشان کتابی تحت عنوان «قراءة في كتب العقائد المذهب الحنبلي نموذجاً» دارد که نشر «مرکز الدراسات التاريخية» چاپ کرده. ایشان در این کتاب می‌نویسد:

«و أجاد معاوية استخدام الحرب النفسية»

یکی از کارهایی که معاویه انجام داد این بود که جنگ روانی علیه امام حسن به راه انداخت.

او مسابقه‌ای گذاشت و گفت هرکسی به معاویه بپیوندد، چنین جوایزی به او تعلق خواهد گرفت. او برای نفرات اول و دوم و سوم جوایزی تعیین کرد.

«فتفرق الناس عن الحسن»

مردم از اطراف امام حسن مجتبی متفرق شدند.

«و طعنوه و نهبوا بعض أمواله»

سپاهیان امام حسن مجتبی یک دست نبودند. عده‌ای از خوارج بودند که می‌خواستند معاویه را از بین ببرند.

آن‌ها دیدند بهترین راه این است که در سپاه امام حسن داخل شوند تا معاویه را از بین ببرند. برای خوارج نه امیرالمؤمنین مطرح بود و نه معاویه مطرح بود.

شب نوزدهم ماه رمضان که قرار بود «ابن ملجم» امیرالمؤمنین را بکشد، کسی را هم به شام فرستادند تا معاویه را بکشد و کسی هم قرار بود «عمرو بن عاص» را بکشد. در این میان تنها «ابن ملجم مرادی» (علیه لعائن الله) به هدفش رسید.

خلاصه معاویه جنگ روانی به راه انداخت و وعده‌هایی داد که هرکسی به من بپیوندد چنین و چنان خواهد شد تا روحیه سپاهیان امام حسن تضعیف شود.

ج) خستگی مردم از جنگ

نکته سوم این است که در قضیه جنگ جمل، عده‌ای از مردم کوفه کشته شدند. مردم در جنگ صفین هجده ماه در رکاب امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بودند و صد و ده هزار کشته از طرفین بر جای ماند.

در نتیجه این جنگ‌ها کمتر خانه‌ای بود که کشته یا شهید نداشته باشد و مردم خسته بودند.

کتاب «الکامل فی التاریخ» اثر «ابن اثیر» متوفای 630 هجری در حقیقت عصاره بحث‌های تاریخی در شش قرن اول اسلام است. ایشان مطالب علمای قبل مانند «طبری» و «ابن سعد» را تهذیب و مرتب کرد و به صورت آماده درآورد.

ایشان در جلد سوم صفحه 272 می‌نویسد زمانی که پیشنهاد صلح معاویه مطرح شد، امام حسن مجتبی سخنانی کرد و فرمود: من می‌دانم تعدادی در جنگ صفین و جنگ نهروان کشته شدند، عده‌ای ذلیل و عده‌ای گریان شدند؛

« أَلَا وَإِنَّ مُعَاوِيَةَ دَعَانَا لِأَمْرِ لَيْسَ فِيهِ عِزٌّ وَلَا نَصْفَةٌ »

معاویه پیشنهاد صلحی داده که عزتی برای ما در این صلح نیست. و هیچ انصافی هم در آن رعایت نشده است.

فرمایش حضرت به این معناست که پیشنهاد معاویه کاملاً غیرمنصفانه و ذلت آور است و عزتی در آن نیست.

«فَإِنْ أَرَدْتُمْ الْمَوْتَ رَدَدْنَاهُ عَلَيْهِ وَحَاكَمْنَاهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِطَبِيِّ الشُّيُوفِ»

اگر حاضرید بکنجید من صلح را رد کنم و با لبان شمشیر با معاویه مواجهه کنیم.

«وَإِنْ أَرَدْتُمْ الْحَيَاةَ قَبِلْنَاهُ وَأَخَذْنَا لَكُمْ الرَّضَى»

اگر می‌خواهید جنگ نکنید و زنده بمانید من این صلح را قبول کنم.

«فَنَادَاهُ النَّاسُ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ: الْبَقِيَّةُ الْبَقِيَّةُ! وَأَمْضَى الصُّلْحِ»

مردم از هر طرف فریاد زدند ما می‌خواهیم زندگی کنیم، صلح را امضا کن!

الكامل فى التاريخ، اسم المؤلف: أبو الحسن على بن أبى الكرم محمد بن محمد بن عبد الكرم

الشياني، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1415 هـ الطبعة: ط 2، تحقيق: عبد الله القاضى، ج

3، ص 272، باب ذكر تسليم الحسن بن على الخلافة إلى معاوية

امام حسن مجتبی در این میان باید چکار می‌کردند؟! همین تعبیر را «ابن خلدون» در کتاب «تاریخ» خود جلد

دوم صفحه 649 می‌آورد. این مسئله مفصل است.

(د) ناخالصی یاران امام حسن

نکته چهارم این است که افرادی برای دنیا آمده بودند. نیت این افراد این بود که با معاویه بکنجند و غنایم

جنگی به دست بیاورند و امام حسن مجتبی خلافت و حکومت عمومی به دست بگیرند و این افراد به منصب

و مقامی برسند.

همچنین تعدادی از خوارج بودند که می‌خواستند امام حسن مجتبی را ملاک قرار بدهند و در رکاب او معاویه را نابود کنند. این افکار مختلف با تفکرات متضادی که در سپاه امام حسن مجتبی بود، سبب شد تا حضرت صلح کنند.

«ابن اثیر» در کتاب «تاریخ» خود جلد 3 صفحه 271 می‌نویسد وقتی امام حسن مجتبی به مدائن برگشت، کسی در میان سپاهیان ندا داد:

« أَلَا إِنَّ قَيْسَ بْنَ سَعْدٍ قُتِلَ فَأَنْفِرُوا. فَانْفِرُوا بِسَرَادِقِ الْحَسَنِ، فَتَهَبُوا مَتَاعَهُ حَتَّى نَارِعُوهُ بِسَاطَا كَانَ تَحْتَهُ»

قیس بن سعد کشته شد، مردم فرار کنید. مردم به خیمه امام هجوم آوردند.

الكامل في التاريخ، اسم المؤلف: أبو الحسن علي بن أبي الكرم محمد بن محمد بن عبد الكريم الشيباني، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1415 هـ الطبعة: ط 2، تحقيق: عبد الله القاضي، ج 3، ص 271، باب ذكر تسليم الحسن بن علي الخلافة إلى معاوية

گفتنی است «قیس بن سعد» فرمانده کل و نماینده تام الاختیار بود. آن‌ها به خیمه‌ای که امام حسن مجتبی در آن بود حمله کردند و تمام وسائل خیمه حضرت را به غارت بردند.

این قضیه نشانگر این است که کسانی که در رکاب امام حسن مجتبی بودند، افرادی نبودند که تحت امر حضرت باشند. شما حساب کنید اگر دولتی چنین ارتشی داشته باشد چکار می‌تواند کند؟! آیا می‌تواند در برابر دشمن مقاومت کند؟!

مشاهده کنید در همین قضیه «موصل» که «داعش» موصل را در عرض چند ساعت تصرف کرد، آیا جنگید؟! خیر. استاندار و مسئولین نظامی موصل همگی از عربستان سعودی پول گرفتند و در ازای آن، شهر را دو دستی تسلیم داعش کردند.

آن‌ها تصور می‌کردند که داعش برای آنها گل و بلبل می‌آورد، اما متأسفانه زمانی که داعش آمد علمای اهل سنت موصل را، همان روزهای اول در وسط شهر اعدام کردند. قتل عامی که داعش از اهل سنت در موصل به راه انداختند، شاید یک پنجاهم از شیعه انجام ندادند.

قضیه امام حسن مجتبی (علیه السلام) هم به همین صورت بود. فرماندهانی که حضرت معین کرده بود و سپاه‌یانی که داشتند، از روی اخلاص کار نمی‌کردند.

«ابن صباغ مالکی» جمله‌ای دارد که نقل کردن آن برایم بسیار دردآور است. بنده تنها ترجمه ظاهری می‌کنم و می‌گذرم. در کتاب «الفصول المهمة فی احوال الائمة» اثر «ابن صباغ» این قضایا مطرح شده و ایشان در آخر می‌نویسد:

«وكتب جماعة من رؤساء القبائل إلى معاوية بالطاعة سرّاً»

تعدادی از رؤسای قبائل به معاویه نامه مخفیانه نوشتند که ما پیرو تو هستیم.

«واستحثوه على سرعة»

سریع به طرف ما بیا.

«سرعة السير نحوهم وضمنوا له تسليم الحسن عليه السلام عند دنوهم من عسكره والفتك به»

اگر بیایی ما امام حسن را دست بسته تحویل تو می‌دهیم و اقدام به ترور حضرت می‌کنیم.

«الفتك» به معنای ترور و کشتن مخفیانه است.

«وبلغ الحسن عليه السلام ذلك وتحقق فساد نيات أكثر أصحابه وخذلانهم له»

سپس می‌نویسد:

«ولم يبق معه مَن يَأْمَنُ غائلته إِلَّا خَاصَّةُ شيعته وشيعة أبيه وهم جماعة لا يقومون بحرب أهل الشام»

امام حسن مجتبی که دید جز تعداد اندکی از شیعیان خالص امیرالمؤمنین توان مقابله با سپاهیان معاویه را ندارد، به همین خاطر تن به صلح داد.

الفُصولُ المَهْمَةُ فی مَعْرِفَةِ أحوال الأئمةِ، المؤلف: علی بن أحمد بن عبد الله المکی المالکی المشهور بابن الصبّاغ (784-855 ق)، ج 1، ص 723، الفصل الثانی: فی ذکر الحسن بن علی بن أبی طالب

مجری:

این برداشت بنده درست است که با عنایت به فرمایشات حضرتعالی در جلسات گذشته یعنی شاید یک چیز جدیدی برای بعضی از شیعیان پیش آمده باشد که ماجرای این صلح چیست، اما از محضرتعالی استفاده می‌کردیم و سؤالات بینندگان هم بود که روایت:

«دَعُونِي وَ التَّمِسُوا غَيْرِي»

نهج البلاغة، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص 136، خ

92

دقیقاً همان فضایی را که حضرتعالی ترسیم فرمودید که آنها گفتند ما با یک شروطی می‌خواهیم با شما بیعت کنیم و حضرت آن را رد کردند و فرمودند: «دَعُونِي وَ التَّمِسُوا غَيْرِي». دقیقاً مشابه همین جریان برای امام حسن مجتبی بعد از این به وجود آمد.

هدف اصلی امام حسن (سلام الله علیه) از صلح با معاویه

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله، ما گفتیم امامت الهی مثل یک سکه دو روست. یک طرف این سکه نصب الهی است، به این معنا که خداوند عالم آن بزرگواران را برای امامت نصب کرده است.

امامت شئونی دارد؛ یکی از شئون امامت، واسطه فیض است، یکی از شئون امامت ایجاد عدل است، یکی از شئون امامت، اقامه عدل است. یکی از شئون امامت رفع ظلم است و دیگر شروط امامت، تأسیس حکومت است.

لازم به ذکر است که تأسیس حکومت مشروط به بیعت مردم است. اگر مردم بیعت نکنند، این شرط و ویژگی‌های امامت در جامعه تحقق نمی‌پذیرند. در حقیقت حکومت الهی دو پایه دارد. یک پایه آن «عهد من الله» و پایه دیگر، بیعت مردم است.

همانطور که رسول گرامی اسلام بعد از بیعت مردم مدینه در عقبه اولی و ثانیه در مدینه تأسیس حکومت کرد و در مکه نتوانست در طول سیزده سال تأسیس حکومت کند، به خاطر این بود که مردم آماده و پذیرا نبودند. امیرالمؤمنین هم در آن بیست و پنج سال خانه نشین بود و کسی کاری به حضرت نداشت. بعد از کشته شدن عثمان، مردم به سراغ امیرالمؤمنین آمدند.

بنده بعضی از مطالب را برای عزیزان می‌خوانم تا ببینند که حتی امیرالمؤمنین حاضر به حکومت بر مردم نبودند و در نتیجه مردم تصمیم گرفتند حضرت را بکشند، «طلحه» را بکشند، «زبیر» را بکشند و سپس برای خودشان یک حکومت جدید درست کنند.

شورشیان و کسانی که در قتل عثمان دخیل بودند، تا این اندازه تصمیم بر قتل حضرت گرفتند. ان شاء الله حضرتعالی در جلسات بعد یادآوری کنید بنده مدارک گفته‌هایم را از منابع اهل سنت خدمت شما ارائه می‌کنم.

وقتی که امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) جواب رد دادند، این افراد تصمیم به قتل حضرت گرفتند. چنین موقعیتی پیش آمد و آنها گفتند: ما آمادگی داریم، اگر نیامدی خودت را هم می‌کشیم!!

حضرت آمد و همان کسانی که در رفته بودند تا با حضرت بیعت کنند و قول دادند، اولین کسانی بودند که بیعت شکنی کردند.

مشابه همان، داستان امام حسن مجتبی ایجاد شد. مشابه قضیه حکمیت در جنگ جمل که برای امیرالمؤمنین ایجاد شد، همین بساط پیش روی امام حسن بود.

هرچه امیرالمؤمنین فرمودند «ابو موسی اشعری» صلاحیت ندارد نماینده شود، بگذارید «مالک» برود، کسی به حرف حضرت گوش نداد.

تعدادی از اصحاب امیرالمؤمنین اصرار کردند که «ابو موسی اشعری» انسانی ساده لوح است و «عمرو بن عاص» او را فریب می‌دهد، هیچکسی گوش نداد.

وقتی که رفتند و «ابو موسی» را فریب داد، مردم شروع به اعتراض به حضرت کردند و گفتند: «لا حکم إلا لله».

بنابراین این قضیه که امام حسن مجتبی تن به صلح دادند، چنین ریشه‌هایی داشت. حال در خصوص اینکه حضرت از صلح چه هدفی داشت، بنده تنها به یکی دو عبارت اشاره می‌کنم و سپس در خدمت دوستان هستم.

در کتاب «أسد الغابة» اثر «ابن اثیر جزیری» جلد دوم صفحه 21 در خصوص امام حسن وارد شده است:

«فقام الحسن فی أمر لم یزوّ فیهِ، فحمد الله وأثنی علیه»

تا جایی که می‌نویسد امام فرمود:

«أما بعد، أیها الناس، فإن الله هداکم بأولنا، وحقن دماءکم بآخرنا»

اما بعد ای مردم! هدف من از این صلح این بود که خون شما ریخته نشود.

مراد از فرمایش حضرت این بود که دیدم اگر صلح نکنم و با این چنین نیروهایی در برابر معاویه مقاومت کنم، جز نابودی و خونریزی برای شما چیز دیگری نیست. حضرت در ادامه فرمودند: من با معاویه اختلاف داشتم؛

« إِمَّا أَنْ يَكُونَ أَحَقُّ بِمَنِي ، وَإِمَّا أَنْ يَكُونَ حَقِّي تَرَكْتَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ »

یا اینکه او سزاوارتر از من در حکومت بود و یا اینکه من به خاطر خدا این حکومت را رها کردم.

مراد از «حقی» در اینجا حق حکومت است، نه حق امامت.

«وإصلاح أمة محمد حقا دمائمكم»

برای اصلاح امت محمد و جلوگیری از ریخته شدن خون شما.

«ثم التفت إلى معاوية وقال: (وَإِنْ أُدْرِي لَعَلَّه فِتْنَةٌ لَكُمْ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ)»

أسد الغابة في معرفة الصحابة، اسم المؤلف: عز الدين بن الأثير أبي الحسن علي بن محمد الجزري، دار

النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت / لبنان - 1417 هـ - 1996 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: عادل

أحمد الرفاعي، ج 2، ص 21

این آیه در حقیقت آیه 111 سوره انبیاء است که رسول گرامی اسلام به کفار قریش انذار می‌کند و آنها را تهدید می‌کند و می‌فرماید: هرکاری می‌خواهید انجام دهید، اما بدانید که این توطئه‌ها و جنایات شما فتنه‌ای هست که گرفتار خود شما خواهد شد. ممکن است مدتی مشغول باشید، اما این بلای آسمانی گریبان گیر شما خواهد شد.

همان جلسه‌ای که معاویه نشسته بود و امام حسن بالای منبر رفته بودند، حضرت فرمودند: من صلح کردم تا خون شما ریخته نشود. معاویه تصمیم داشت همه شما و شیعیان علی بن ابی طالب را بکشد. این فتنه‌ای است که گریبان گیر این افراد خواهد شد.

مشاهده کنید این افراد بعد از این قضایا دیگر چندان حکومتی نکردند و الآن حتی در میان بسیاری از اهل سنت منفورترین افراد، دودمان بنی امیه هستند.

مشاهده کنید چقدر از علمای اهل سنت در مذمت معاویه کتاب مستقل نوشتند. کتبی مانند «النصایح الکافیة» و دیگر کتب، مطالبی در این خصوص آورده‌اند. تکلیف یزید و بعد از او هم که مشخص است.

بنده در جلسات گذشته هم عرض کردم که حضرت زینب و حضرت أم کلثوم (سلام الله علیها)، امام سجاد و دیگر اسرا با اینکه اسیر و به ظاهر ذلیل بودند، اما همه جا می‌فرمودند پیروزی از آن ماست. موفقیت از آن ماست. آینده متعلق به ماست!

امام خمینی در پایان وصیتنامه سیاسی الهی خود تعبیری زیبایی دارد: بنی امیه (لعنهم الله) در جهنم معذب هستند!

اگر این افراد از جهنم سر بیرون آورند و ببینند در اربعین حسینی که بیش از بیست میلیون جمعیت از سراسر دنیا می‌آید، متوجه می‌شوند که پیروزی از آن بنی امیه است یا از آن اهلبیت است.

مرقد مطهر حضرت سیدالشهدا با چنان شکوه و عظمتی برپاست، اما آیا از بنی امیه اثری هست یا خیر! عزیزان ببینند در شام همان جایی که معاویه را دفن کردند، چه اوضاعی دارد.

مجری:

بسیار عالی و خوب، خیلی قابل استفاده و ان شاء الله همیشه هم حواسمان باشد که این مباحث زیاد در شبکه‌های مختلف مطرح می‌شود و تبلیغات می‌شود، اما حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی بسیار نکته قابل تأملی فرمودند.

ما باید به این مسائل به عنوان یک بازه نگاه کنیم. بازه‌ای که آخرش هم نتیجه این است که الحمدلله می‌بینیم شروع آن با حرکت مدیرانه امام حسن مجتبی بود. میان برنامه‌ای می‌بینیم و سپس برمی‌گردیم در خدمت شما خواهیم بود.

از تاب رفت و تشت طلب کرد و ناله کرد

وان تشت را ز خون جگر باغ لاله کرد

خونی که خورده در همه عمر از گلو بریخت

خود را تهی ز خون دل چند ساله کرد

نتوان نوشت قصه درد و مصیبتش

ور می‌توان ز غصه هزاران رساله کرد

زینب درید معجر و آه از جگر کشید

کلثوم زد به سینه از درد ناله کرد

عرض سلام و ادب مجدد دارم خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» و قدردان شما هستیم که دیدگان پرفروغتان را به برنامه «حدیث غربت» مهمان کردید. ان شاءالله که این برنامه تا این لحظه برای همه مفید بوده باشد.

به رسم برنامه‌های حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی که خیلی هم خودشان تأکید دارند، به سراغ شما بینندگان عزیز می‌رویم و تماس‌هایی که با ما داشتید و پیام‌هایی که فرستاده شده را مطرح می‌کنیم.

چند نکته اساسی، در مناظره با فرقه بهائیت!

اولین مطلبی که افاق فرمان اشاره می‌کنند، پیام صوتی هست که برای کانال برنامه فرستاده شده است. این پیام صوتی را با هم می‌شنویم.

پرسش:

سلام علیکم. بنده سه مرتبه با بهائیت مناظره کردم و هر سه دفعه هم پیروز شدم. بار سوم آنها به حضرت سیدالشهدا جسارت کردند و من قهر کردم و بیرون آمدم. الآن مجدد بنده را برای مناظره دعوت کردند. می‌خواستم ببینم جایز است به مناظره بروم یا خیر؟

مجری:

استاد خانمی از آمریکا پیام گذاشته بودند که با بهائیت مناظره کردند و در طی سه مناظره پیروز شدند. آن‌ها که کم آورده بودند به حضرت ابا عبدالله الحسین توهین کردند. آیا ایشان بازهم اجازه دارند با این افراد وارد مناظره شوند یا خیر؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

خواهر عزیز من! شما چند نکته را باید رعایت کنید. نکته اول این است که اگر آنها به مقدسات شما توهین می‌کنند بلافاصله پیام بگذارید: این توهین شما دلیل بر این است که شما حرفی برای گفتن ندارید. کسی که حرفی داشته باشد توهین نمی‌کند. این بهترین جواب برای آنهاست.

قرآن کریم می‌فرماید:

(وَ إِذَا خَاطَبْتَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا)

و هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب سازند به آنها سلام می‌گویند (و با بی‌اعتنایی و بزرگواری می‌گذرند).

سوره فرقان (25): آیه 63

هرچه شما بیشتر توهین کنید، ما به مقدسات شما توهین نمی‌کنیم بلکه با دلیل علمی و عقلی و مستند، عقاید شما را ابطال می‌کنیم. این نکته را حتماً به این افراد بگویید.

نکته دوم این است که بگویید این کار شما از نظر عقلا عالم حتی کسانی که پایبند هیچ دینی هم نیستند زیر سؤال می‌رود.

بنده اصلاً کاری به صاحبان ادیان هم ندارم، اما عقلای عالم زمانی که ببینند وقتی کسی در مناظره شکست می‌خورد و شروع به هتاک و جسارت می‌کند، او را از دایره عقل بیرون می‌کنند.

نکته سوم این است که بر این عقیده هستم که شما بحثتان را ادامه بدهید و در بحث با بهائیت هم اگر واقعاً تسلط خوب دارید ما به شما تبریک عرض می‌کنیم و موفقیت شما را از خداوند منان خواهانیم.

همچنین اگر تسلطی ندارید، در خصوص شبهاتی که آنها مطرح می‌کنند با افرادی که تسلط دارند و عمری را در بحث بهائیت کار کردند تماس بگیرید و جواب‌های محکم و قاطع بگیرید.

بنده به یاد دارم چندین سال قبل یکی از شاگردان ما به نام «دکتر رضائزاد» در رادیو معارف حدود نود جلسه در نقد بهائیت صحبت کرد. اگر بتوانید شماره تلفن ایشان را پیدا کنید یا از اتاق فرمان برایتان پیدا کنیم با ایشان در ارتباط باشید.

البته افراد زیادی در این حوزه هستند، اما کسی که بنده آشنایی دارم که در بحث بهائیت خوب کار کرده و متخصص هست ایشان هستند.

می‌توانید با رادیو معارف هماهنگی کنید و به آرشیو رادیو معارف را در رابطه با بهائیت دسترسی پیدا کنید. اگر آرشیو را در سایتشان گذاشتند بردارید و اگر نگذاشتند بنده توصیه می‌کنم این نود جلسه را حتماً گوش کنید.

«دکتر رضائزاد» با بحث‌ها و مناظرات و مطالعه کتاب‌ها و مقالات جدیدی که بهائیت داشتند، یک برنامه خیلی خوب نود جلسه‌ای در رادیو معارف داشتند.

ما هم ان شاءالله به حول قوه الهی در آینده یکی از بحث‌هایی که در «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» خواهیم داشت، نقد عقاید پوشالی بهائیت است.

این تفکر از ایران شروع شد و در حال حاضر هم مرکزشان در اسرائیل است و از آنجا تغذیه می‌کنند.

ما باید تلاش کنیم در بحث‌ها مباحث استدلالی و عقلی را رعایت کنیم. هرچه باشد اگر کسی بهائی هم هست، افرادی از دیدگاه او مقدس است. بنده نمی‌توانم به افرادی که از نظر او مقدس هستند توهین کنم و انتظار داشته باشم حرف مرا بپذیرند.

مجری:

بسیار خوب. خیلی تشکر می‌کنیم از محضرتان و همچنین تشکر می‌کنیم از خانمی که از آمریکا با این برنامه تماس گرفتند.

ما از دغدغه شما تشکر و قدردانی می‌کنیم و ان شاءالله در هر سنگری هم هستید با توصیه‌های حضرت استاد همیشه موفق و پیروز باشید.

تماس بینندگان برنامه

پشت خط آقای بهادری از کرج هستند. سلام عرض می‌کنیم و خدمت شما هستیم. بازهم عذرخواهی می‌کنم به دلیل اینکه بینندگان زیادی پشت خط هستند و ان شاء الله بتوانیم به همه برسیم مختصر بفرمایید. استفاده می‌کنیم:

بیننده (آقای بهادری از کرج - شیعه):

بسم الله الرحمن الرحيم. عرض سلام دارم خدمت حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی و جناب آقای مرعشی. بنده هم به سهم خودم شهادت مظلومانه کریم اهل بیت امام حسن مجتبی را خدمت همه عزیزان عرض تسلیت دارم.

در کتاب «الفتوح» اثر «ابن اعثم کوفی» جلد 4 صفحه 233 آمده که پس از رسیدن نامه معاویه به «مروان بن حکم» والی مدینه برای اخذ بیعت از اهل مدینه برای یزید پسرش «مروان» نامه معاویه را برد در مسجد نبوی روی منبر برای مردم خواند.

در این کتاب آمده است: "ای مسلمانان! معاویه بعد از خودش از فتنه می‌ترسید. بنابراین انتخاب یزید تنها راه چاره از به وجود آمدن فتنه است."

من از آقایان وهابی می‌خواهم سؤال کنم که چطور احساس وجود فتنه را معاویه فهمید که بدون رهبر و بدون امام جامعه دچار فتنه می‌شود، اما نستجیر بالله رسول خدا تشخیص ندادند؟! آیا این خانه خرابی برای وهابیون نیست؟!

تمامی علمای اهل سنت نوشته‌اند علت وجوب انتخاب یزید در شرایطی بود که امت مجبور بودند یک نفر انتخاب شود.

سؤال این است که آقایان ادعا می‌کنند پیامبر اسلام هیچکسی را برای جانشینی خود تشخیص نداد. این که اصلاً دروغات است. مگر می‌شود پیغمبر اکرم بیست و سه سال زحمت بکشد و بعد از خود امت اسلامی را رها کند و بگوید هرکاری خواستید کنید؟!

چرا معاویه که دنیا او را مکار و خونخوارترین حاکم اسلام می‌دانند تشخیص داد که امت حتی برای یک روز بدون رهبر و امام دوام نمی‌آورد و باید خلیفه انتخاب شود و جامعه خلیفه و امام می‌خواهد و این حجت برای تمامی علمای اهل سنت شد.

بر این اساس انتخاب یزید مشروعیت پیدا کرد در حدی که جنگ با امام حسین برای او یک وظیفه تلقی شد. سؤال من این است که آیا این اسلام پیامبر اسلام بود؟! چرا رسول خدا بعد از خودش احساس وجود فتنه را نکرد؟! آیا جریان سقیفه سرتاپا فتنه نبود؟!

مگر در جریان سقیفه «سعد بن عباد» رئیس قبیله خزرج به آقایان نگفت: «لکم امیرکم»؟! ما دوازده سال از شما قریشی‌ها پذیرایی کردیم. حال شما برای خودتان خلیفه انتخاب کنید تا ما هم برای خودمان خلیفه انتخاب کنیم.

مگر انصار و قریشیان او را زیر دست و پا له نکردند؟! مگر جناب خلیفه دوم دستور ترور او را نداد؟! مگر بلافاصله به خانه علی بن ابی طالب حمله نکردند و درب خانه حضرت را به آتش نکشیدند؟! این فتنه نبود؟! آیا ابوبکر تمام قبائل اطراف مدینه که زیر بار خلافت او نرفتند را قتل عام نکرد؟! این افراد که مسلمان بودند، چرا به آنها گفت که مرتد شدند. علی رغم اینکه این افراد مسلمان بودند.

در کتاب «شرح نهج البلاغه» آمده است که ابوبکر گفته بود بیعت با من یک فتنه بوده است. بنابراین چطور رسول گرامی اسلام حق نصب و انتخاب خلیفه را ندارد، اما معاویه دارد و بر امت هم واجب است اطاعت کنند.

آقایان وهابی اگر راست می گویند به من جواب بدهید، من منتظر جواب هستم. والسلام علیکم و رحمة الله و
برکاته

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

احسنت جناب آقای بهادری عزیز. ایشان این مطلب را از کتاب «ابن اعثم کوفی» آوردند، اما معتبرتر از کتاب
ایشان «تاریخ طبری» است که نویسنده آن از مورخین نامی و جزو متقدمین است.

نگرانی «عایشه» و «معاویه» از بی امام ماندن جامعه اسلامی!!

در کتاب «تاریخ طبری» جلد سوم صفحه 248 آمده است که معاویه به «عبدالله بن عمر» گفت:

«إني أُرهب أن أدع أمة محمد بعدى كالضأن لا راعي لها»

من می ترسم اگر یزید را به عنوان خلیفه معین نکنم، امت محمد را مثل گوسفندان بدون چوپان رها
کنم.

تاریخ الطبری، اسم المؤلف: لأبي جعفر محمد بن جرير الطبري، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت،
ج 3، ص 248، باب ذكر ما كان فيها من الأحداث

خیلی عجیب است. «ابوالفرج ابن جوزی» متوفای 597 هجری در کتاب «المنتظم» جلد پنجم صفحه 286
می نویسد:

«إني أُرهب أن أدع أمة محمد كالضأن لا راعي لها»

المنتظم في تاريخ الملوك والأمم، اسم المؤلف: عبد الرحمن بن علي بن محمد بن الجوزي أبو الفرج، دار
النشر: دار صادر - بيروت - 1358، الطبعة: الأولى، ج 5، ص 286، باب ثم دخلت سنة ست وخمسين

حال نمی‌دانیم چطور شد که این افراد چنین گفتند، اما رسول گرامی اسلام چنین کاری نکردند!! حتی از عایشه همسر پیغمبر اکرم نقل می‌کنند که «عبدالله بن عمر» گفت:

«یا بنی ابلغ عمر سلامی وقل له لا تدع أمة محمد بلا راع استخلف عليهم»

فرزندم سلام مرا به عمر برسان و بگو امت محمد را بدون چوپان نگذار و کسی را به عنوان خلیفه معین کن.

الإمامة والسياسة، اسم المؤلف: أبو محمد عبد الله بن مسلم ابن قتيبة الدينوري، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1418 هـ - 1997 م، تحقيق: خليل المنصور، ج 1، ص 25، باب تولية عمر بن الخطاب الستة الشورى وعهده إليهم

واقعاً خیلی عجیب است! من نمی‌دانم قضیه چیست. ان شاءالله زمانی که به بحث ادله شیعه بر امامت امیرالمؤمنین رسیدیم، ادله اهل سنت را بر خلافت ابوبکر و عمر مطرح می‌کنیم و قضاوت را به عهده مردم می‌گذاریم.

مردم باید بدانند و از این قضایا اطلاع داشته باشند. جوانان اهل سنت باید آگاه باشند که اگر شیعه معتقد به امامت امیرالمؤمنین است چه دلیلی دارد. جوانان شیعه هم باید بدانند که اهل سنت که معتقد به خلافت ابوبکر و عمر هستند دلیلشان چیست.

ما هر دو را در دو کفه می‌گذاریم و قضاوت هم نمی‌کنیم و می‌گوییم که خودتان قضاوت کنید.

(فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ)

بنا بر این بندگان مرا بشارت ده، کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند.

سوره زمر (39): آیات 17 و 18

ما جسارت هم نمی‌کنیم. بنده در جلسه گذشته در رابطه با «ابوحنیفه» مطلبی گفتم که به مذاق بعضی از دوستان خوش نیامد.

بنده گفتم این مطالبی است که مالکی‌ها علیه شافعی‌ها می‌گویند، شافعی‌ها علیه حنفی‌ها می‌گویند، حنفی‌ها علیه حنبلی می‌گویند.

آن‌ها نسبت به ائمه یکدیگر به قدری مطالب سخیف و زشت و موهن بیان کردند که اصلاً بعضی از عبارت‌ها را خجالت می‌کشیم بیان کنیم.

بنده گفتم همه اینها دست سیاستمداران بود که می‌خواستند و کسی را تحریک می‌کردند که بگوید:

«مَنْ لَمْ يَكُنْ حَنْبَلِيًّا فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»

هرکسی حنبلی نباشد اصلاً مسلمان نیست.

تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، اسم المؤلف: شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان
الذهبی، دار النشر: دار الكتاب العربی - لبنان / بیروت - 1407 هـ - 1987 م، الطبعة: الأولى، تحقیق: د.

عمر عبد السلام تدمری، ج 29، ص 304، باب 4 أحمد بن الحسین بن محمد

شخص دیگری می‌گفت: هرکسی اشعری نباشد اصلاً مسلمان نیست. شخص دیگر می‌گفت: هرکسی معتزلی نباشد اصلاً مسلمان نیست.

به واسطه این حرف‌ها به قدری جنگ و جدال بین اهل سنت ایجاد کردند و کشت و کشتاری میان اهل سنت در نیشابور و اصفهان و بغداد بود که شاید یک دهم آن میان شیعه و سنی نبود.

امروز آمریکا و اسرائیل و عربستان سعودی و شبکه‌های وهابی و شیعه‌های انگلیسی که اینطور مردم را تحریک می‌کنند تا شیعه و سنی را به جان مردم بیندازند، نه دلشان به حال شیعه سوخته و نه دلشان به حال اهل سنت سوخته است.

من بارها گفتم: اگر ما مخصوصاً در ایران تلاش کنیم حنفی‌های عزیز در مذهب حنفی بماند و سلفی نشوند و شافعی‌های ما شافعی بمانند و سلفی نشوند، بالاترین فتح را انجام دادیم.

بنده بارها گفتم که هرگونه جسارت و اهانت به مقدسات اهل سنت گناه نابخشودنی است و جز فتنه چیز دیگری نیست، اما نقل مطالب از کتب برای روشنگری را وظیفه خودمان می‌دانیم.

در قرآن کریم آمده است که رسول گرامی اسلام فرمود:

(وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًىٰ أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ)

و ما یا شما بر (طریق) هدایت یا در ضلالت آشکاری هستیم.

سوره سبأ (34): آیه 24

فرمود: یا من هدایت یافته و شما گمراه هستید و یا شما هدایت یافته و من گمراه هستم. بیاپید با هم بحث کنیم تا هدایت از ضلالت روشن شود.

مجری:

بسیار عالی، از محضرتان بسیار استفاده کردیم و از آقای بهادری هم تشکر می‌کنیم که بازهم مثل همیشه سؤالات ویرانگرشان را از وهابیت پرسیدند و همه بینندگان به فیض رسیدند.

آقای محمدی از خراسان پشت خط هستند. سلام علیکم آقای محمدی، در خدمت شما هستیم. مختصر بفرمایید که ان شاءالله بتوانیم صدای بقیه بینندگان را هم بشنویم.

بیننده (آقای محمدی از خراسان - شیعه):

سلام عرض کردم. خدمت حاج آقا قزوینی هم عرض سلام دارم، شب شما بخیر. بنده می‌خواستم حاج آقا به تفصیل یا مختصر در خصوص آیه‌ای از قرآن توضیح بدهند.

أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ

خداوند آنچه را در آسمانها و زمین است مسخر شما کرده.

سوره لقمان (31): آیه 20

بنده می‌خواستم ببینم مشخصاً (سَخَّرَ) همین مقدار استفاده‌ای که بشر می‌کند ملاک است یا ملاک (سَخَّرَ) در اختیار افراد معدود و خاصی بوده که شیعه قائل به ولایت تکوینی هستند و ممکن است آن باشد؟!

اگر مراد از (سَخَّرَ لَكُمْ) الآن باشد، صرفاً بشر الآن تازه پنجاه سال است که به این مقدار از تصرف در هستی رسیده است. بشر دویست سال تا هزار سال پیش چنین مقدار تصرف نداشته است.

(سَخَّرَ لَكُمْ) برای شما شاید صرفاً اشخاص خاصی باشد که مدنظر خداوند بوده است؟! اگر ممکن است قدری توضیح دهید.

مجری:

بسیار خوب، تشکر می‌کنیم از تماسستان. آقای «جهانی» از «زابل» هم پشت خط هستند. آقای جهانی سلام عرض می‌کنیم، در خدمت شما هستیم.

بیننده (آقای جهانی از زابل - شیعه):

سلام عرض می‌کنم خدمت شما و کارشناسان برنامه و تسلیت ایام. اگر فرصت باشد یکی دو مطلب هست که می‌خواستم از شما بپرسم.

مطلب اول اینکه بحث ازدواج دختر امیرالمؤمنین با خلیفه دوم چه بوده است. عده‌ای می‌گویند از اساس دروغ بوده و عده‌ای می‌گویند به زور شمشیر و تهمت بوده است. خواهش می‌کنم جواب مستندی بدهید.

مطلب دوم اینکه می‌خواستم خدمت آقای حسینی عرض کنم که چرا مناظره با شبکه‌های معاند انجام نمی‌شود؟!

مجری:

متأسفانه کیفیت صدایشان در حد قابل قبول نیست و متوجه نمی‌شویم. حال سؤال اول ایشان در خصوص ازدواج ام کلثوم با خلیفه دوم بود. ظاهراً سؤال دوم این بود که چرا شما با شبکه‌های وهابی مناظره نمی‌کنید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در رابطه با آیه شریفه (أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ) باید بگوییم که مراد از (السَّمَاوَاتِ) آسمان نیست.

اگر به «تفسیر المیزان» مراجعه کنید، در جلد چهاردهم صفحه 403 «مرحوم طباطبایی» در آنجا مفصل جواب می‌دهد و می‌نویسد:

«و المراد بالسماء جهة العلو»

المیزان فی تفسیر القرآن، نویسنده: طباطبایی، سید محمد حسین، ج 14، ص 403، باب (بیان)

اگر چنین باشد، خداوند عالم تمام آنچه آسمان و زمین هست را در تسخیر بشر قرار داده است.

(وَ يَمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ)

و آسمان (کرات و سنگهای آسمانی) را نگه می‌دارد تا بر زمین، جز به فرمان او، فرو نیفتند؟

سوره حج (22): آیه 65

اینکه کرات می‌چرخند و هیچ ضرری برای شما ندارند، در حقیقت یکی از مصادیق (سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ) است.

علاوه بر این همین (ما فِي السَّمَاوَاتِ) را بر فرض همین طیوری که در آسمان‌ها هست و مورد صید قرار می‌گیرد و مردم از آنها استفاده می‌کنند محسوب می‌کنند.

أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ

خداوند آنچه در زمین است مسخر شما کرد؟ و کشتیها به فرمان او بر صفحه اوقیانوسها حرکت می‌کنند.

سوره حج (22): آیه 65

مراد همین است. در گذشته هم چنین نبود، بلکه در هر عصری به تناسب امکاناتی که داشتند از نعمت‌های آسمانی و زمینی استفاده می‌کردند.

امروز استفاده از نعمت‌های آسمانی طور دیگری است و شاید صد سال بعد از این اصلاً چندین برابر این باشد به طوری که مردم آینده به هواپیما و ماشین‌های ما بخندند و بگویند که این هم شترسواری مدرن بوده است. در رابطه با سؤال ایشان در خصوص ازدواج «أم کلثوم» و «عمر بن خطاب» ما قبلاً هم توضیحاتی را عرض کردیم.

بنده اشاره‌ای داشتم به اینکه جناب آقای «نووی» یکی از علمای بزرگ اهل سنت و نیز مرحوم آیت الله مرعشی نجفی کاملاً بر این عقیده هستند که حضرت دختری به نام «أم کلثوم» نداشتند.

بنده گفتم نظر این دو عالم چنین است، نگفتم که نظر بنده این است. بسیاری از فقها و بزرگان ما بر این عقیده هستند که حضرت ام کلثوم دختر امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بوده است.

حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) در وداعشان روز عاشورا می‌فرمایند:

«يا سَكِينَةُ يا فَاطِمَةَ يا زَيْنَبَ يا اُمَّ كَلْثُومٍ عَلَيَكِنَّ مِنِّي السَّلَامُ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 45،

ص 47، ج 2

ما ده‌ها روایت داریم، اما بحث سر این است که اولاً این ازدواج صورت گرفته است یا خیر. الآن فرصت پاسخگویی نیست، اما ما در سایت «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» مفصل به این شبهه پاسخ دادیم.

ثانیاً اگر این ازدواج صورت گرفته است، آیا با رضایت امیرالمؤمنین بوده یا با اکراه بوده است. آیا ازدواج با اکراه فضیلت است؟! مشاهده کنید حضرت لوط به کفار می‌فرماید:

(هُؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطَهَرُ لَكُمْ)

این‌ها دختران منند، برای شما پاکیزه‌ترند.

سوره هود (11): آیه 78

حضرت به صراحت فرمودند شما به جای آنکه خودتان را به عمل ناروای لواط آلوده کنید، بیایید و با دختران من ازدواج کنید.

طبق آنچه در کتب شیعه داریم - ما نیافتیم، بنده نمی‌گویم نیست، زیرا ممکن است کسی یافته باشد ولی ما نیافتیم - ام کلثوم که با خلیفه دوم ازدواج کرد واقعاً بنت فاطمة الزهرا بود یا خیر. ما روایت صحیحی در این زمینه پیدا نکردیم.

«کلینی» در کتاب «کافی» جلد چهارم «کتاب النکاح» بابی تحت عنوان «بَابُ تَزْوِیجِ أُمِّ کَلْثُومٍ» آورده که دو روایت در آنجا آورده است. ایشان دو روایت در «کتاب الطلاق» باب «طَلاقِ الْمَرْأَةِ الْحَبْلِیِّ آلَتِی مَاتَ تَنْهَا زَوْجَهَا» آورده است.

«مرحوم نوبختی» در کتاب «فرق الشیعه» می‌گوید که این ازدواج صورت گرفت، اما ازدواج واقعی نبود. بعد از اینکه «عمر بن خطاب» از دنیا رفت، أم کلثوم باکره به خانه امیرالمؤمنین برگشت.

حال مشخص نیست که أم کلثوم دختر حضرت فاطمه زهرا باشد یا دختر یکی دیگر از زنان امیرالمؤمنین باشد یا ربیبه حضرت علی (علیه السلام) باشد.

این بحثی است که ما باید یکی دو جلسه روی آن وقت بگذاریم. اگر ما بخواهیم در این زمینه بحث کنیم باید تمام اقوال مورخین و علمای اهل سنت و وهابیت و جواب‌هایی که شیعیان دادند مطرح شود.

بنده توصیه می‌کنم این عزیزان به سایت «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» مراجعه کنند، زیرا ما در آنجا مفصل بحث کردیم و پاسخ هفتاد صفحه‌ای دادیم. ایشان جوابیه ما را در سایت مطالعه کنند.

در رابطه با مناظره هم بارها گفتیم کبوتر با کبوتر، باز با باز! آقایانی که در این شبکه‌ها هستند، در حد شاگردان شاگردان ما هم سواد ندارند.

اگر دوستان کلیپ‌هایی که عزیزانمان از این آقایان در شبکه پخش می‌کنند را ببینند، متوجه می‌شوند آنها ادعاهای مسخره‌ای مطرح می‌کنند که گمان می‌کنم اگر برای دیوانه‌های دیوانه‌خانه بگویند آنها می‌خندند.

به عنوان مثال ادعا می‌کنند که چرا امام حسن برای حضرت سیدالشهدا عزاداری نکرد؟! ببینید این افراد چقدر احمق هستند. امام حسن مجتبی سال 50 هجری شهید شده است و امام حسین سال 61 هجری به شهادت رسید.

این افراد اینقدر عقل ندارند که در این خصوص فکر کنند. همچنین ادعا می‌کنند که چرا پیغمبر اکرم حسینیہ ساخت؟! چرا امیرالمؤمنین حسینیہ ساخت؟!

امیرالمؤمنین سال 40 از دنیا رفت و امام حسین سال 61 هجری به شهادت رسید!! ما با این افراد چکار کنیم؟! آیا با آنها مناظره کنیم؟!

مجری:

با این وجود بازهم زمانی که حاضر به مناظره می‌شویم، به دلیل اینکه خودشان می‌دانند چه خبر است برای مناظره حاضر نمی‌شوند و انصراف می‌دهند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله، مشاهده کنید «عبدالله حیدری» حاضر به مناظره نشد و در نهایت گفت که من از عکس آقای قزوینی هم می‌ترسم!

ایشان حاضر به مناظره شد و ما هم اعلام مناظره کردیم. این اعلام‌ها چندین ماه هم ادامه پیدا کرد که کلیپ آن هم در فضای مجازی موجود است.

من گفتم: ما آمادگی داریم که آقایان امثال «دکتر سالوس»، «عبدالرحمن دمشقیه» و «عثمان الخمیس» را بیاورند. این افراد کسانی هستند که هم منابع شیعه را خواندند و هم منابع اهل سنت را خواندند و حداقل قدری سواد دارند.

گرچه زمانی که با «پروفیسور غامدی» بحث می‌کردیم، او جلوی شاگردانش گفت حرف آقای قزوینی درست است و سه مرتبه هم دستانش را به علامت تسلیم بلند کرد.

بعد از این ماجرا مشاهده کردیم که ایشان بعد از آمدن ما به ایران در «شبکه مجد» رفت و همان حرف‌های خودش را بیان می‌کند. این افراد چیزی در ذهنشان آوردند و بر آن مبنا هم قضاوت می‌کنند.

مجری:

بله. بارها و بارها هم بسیاری از کارشناسان پیشنهاد دادند، اما این افراد هیچگاه حاضر نمی‌شوند مناظره شبکه به شبکه انجام دهند.

آن‌ها انتظار دارند در زمین خودشان ما یواشکی بحث کنیم سپس ما نتیجه بحث را به مردم اعلام می‌کنیم. طبیعتاً این چیزی نیست که عادلانه و منصفانه باشد.

آقای «احمد شعار» از آذربایجان شرقی پشت خط هستند. آقا احمد صدایتان را می‌شنویم، سلام علیکم، در خدمت شما هستیم.

بیننده (آقای احمد شعار از آذربایجان شرقی - شیعه):

سلام علیکم و رحمة الله. ایام سوگواری حضرت ابا عبدالله الحسین را خدمت حضرت استاد و مجری محترم و تمام شیعیان تسلیت عرض می‌کنیم.

سؤالی که بنده از استاد داشتم و مطمئناً در این چند روز جواب هم به این شبهه دادند، اما به دلیل اینکه در گروه‌های تلگرامی و شبکه‌های معاند مطرح شده بود بنده خواهش دارم که در این مورد توضیحاتی مطرح بفرمایید.

متن شبهه این است که مطرح می‌کنند «شهید بهشتی» در کتاب خودش ادعا می‌کند که شیعیان قاتل حضرت ابا عبدالله هستند.

سؤالی که بنده از شما دارم این است که آیا اولاً این سخن صحیح است و ایشان این ادعا را داشتند یا خیر؟

سؤال دوم من این است که اگر این ادعا را دارند، منظور ایشان از شیعیان همان منظور «ابن ابی الحدید» است که می‌گوید: شیعه به کسی گفته می‌شود که امیرالمؤمنین را تنها بر عثمان ترجیح می‌داد و ابوبکر و عمر را قبول داشت. آیا منظور از شیعه این است؟!

شبهه دوم که مطرح می‌کنند در مورد رد حضرت رقیه توسط ایشان است. اگر لطف کنید در مورد این دو شبهه جوابی بفرمایید ممنونم.

مجری:

بسیار خوب، آقای احمد شعار از آذربایجان شرقی خیلی تشکر می‌کنیم از تماستان. استاد در خدمتتان هستیم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

البته بنده نمی‌دانم ایشان با آقایان شعارهای مشهور که برنامه‌های تفسیری داشتند و با آقای «طباطبایی» هم دوست بودند، ارتباطی دارند یا خیر. گرچه ایشان از دنیا رفتند و آقازاده‌هایشان یک سری بحث‌هایی در رابطه با امامت دارند.

اولاً اگر بخواهند نسبت به افراد حرف بزنند، باید مدرکی ارائه بدهند. «شهید بهشتی» در کجا چنین حرفی را مطرح کرده است؟ آیا «شهید بهشتی» تنها گفته و پاسخ داده یا اینکه تنها عقیده خودش بوده است؟

در رابطه با حضرت رقیه همین دیشب «دکتر حسینی» چندین مدرک از شیعه و سنی در رابطه با وجود حضرت رقیه (سلام الله علیها) مطرح کرد. در این چند شب عزیزان ما مدارک متعددی بر وجود حضرت رقیه ارائه دادند.

حال «شهید بهشتی» گفته باشد یا نگفته باشد، اگر بالاتر از «شهید بهشتی» هم گفته باشد ما به ایشان پاسخ می‌دهیم.

ما می‌بینیم بزرگان ما اعم از «شیخ مفید» در کتاب «إرشاد» و «ابوالفرج اصفهانی» در کتاب «مقاتل الطالبیین» و «علامه مجلسی» و ده‌ها نفر در این زمینه پاسخ دادند و کتاب‌های مستقلاً در رابطه با حضرت رقیه نوشته شده است.

ما این حرف‌ها را «کالحجر فی جنب الإنسان» و «فاضربوه علی الجدار» می‌دانیم، البته اگر ایشان چنین حرفی را گفته باشد. ما نمی‌دانیم که ایشان چنین حرفی مطرح کرده‌اند یا خیر. اگر آقایان ادعا می‌کنند باید سخنرانی یا کتاب ایشان را به ما آدرس دهند.

غالباً بزرگان حرفی را می‌زنند و سپس آن را رد می‌کنند. این آقایان آن نقل را قبول می‌کنند و رد را مطالعه نمی‌کنند و می‌گویند که فلان آقا چنین ادعایی مطرح کرده است.

نسبت به «شهید مطهری» هم در کتاب «حماسه حسینی» همین ادعا مطرح شده است. ایشان مطلبی را کاملاً در نوشته‌هایشان آوردند و مطلبی در سخنرانی ایشان است.

یکی از خیانت‌های این افراد این بود که در آثار «شهید مطهری» بعضی از سخنرانی‌ها را تقطیع کردند و تصور کردند که «شهید مطهری» با بسیاری از این قضایا مشکل داشته است.

به هیچ وجه چنین چیزی نیست. اگر شما روضه‌های «حماسه حسینی» را جمع کنید، به عنوان مقتل از دیدگاه «شهید مطهری» می‌توانید از آن استفاده کنید و ببینید ایشان چکار کرده است.

در رابطه با اینکه مراد از شیعه چیست، قبلاً هم دوستان ما پاسخ دادند. «ابن تیمیه حرانی» در کتاب «منهاج السنة» جلد دوم صفحه 96 می‌نویسد:

«وكانت الشيعة أصحاب علي يقدمون عليه أبا بكر وعمر»

شیعیان کسانی بودند که علی بن ابی طالب را مقدم بر ابوبکر و عمر می‌دانستند.

«وإنما كان النزاع في تقدمه على عثمان»

منهاج السنة النبوية، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس، دار النشر: مؤسسة قرطبة - 1406، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. محمد رشاد سالم، ج 2، ص 96، باب الوجه

الخامس

در خصوص اینکه عثمان هم مقدم هست یا مقدم نیست کاملاً مشخص است. ایشان سپس بحث امامی و رافضی را با شیعه جدا می‌کند. این قضایا کاملاً واضح و روشن است.

علاوه بر این در کتاب «مقتل الحسين» اثر «خوارزمی» آمده است که امام حسین در روز عاشورا می‌فرماید:

«و يحكم، يا شيعة آل أبي سفيان! إن لم يكن لكم دين، و كنتم لا تخافون المعاد، فكونوا أحرارا في دنياكم هذه»

وای بر شما ای شیعیان آل ابی سفیان! اگر دین ندارید در دنیا آزادمرد باشید.

مقتل الحسين عليه السلام؛ تأليف: اخطب خوارزم، موفق بن احمد - سماوی، محمد؛ الناشر: انوار الهدی،

چاپ دوم، سنة 1381ش - 1423ق؛ ج 2، ص 38

این فرمایش امام حسین است. اگر هزاران نفر هم بگویند که قاتلین امام حسین شیعه امیرالمؤمنین بودند، ما قبول نمی‌کنیم. امام حسین خود می‌فرماید: «یا شیعة آل ابی سفیان»!! حتی در منبع دیگری آمده است:

«كان لمعاوية شيعة في الكوفة»

معاویه هم شیعیانی در کوفه داشت.

به جهت اینکه وقت خیلی گذشته است، ان شاءالله تا این اندازه برادر عزیزمان آقای شعار از ما بپذیرند.

مجری:

البته شبیه حضرت رقیه را هم که مطرح کردند، در شب اول برنامه «حدیث غربت» مفصل حضرت استاد ابوالقاسمی به همین مطلب پرداخته بودند.

همچنین نسبت به سؤالی هم که آقای جهانی پیرامون ازدواج أم کلثوم با خلیفه دوم مطرح کردند هرچند وقت محدود بود و نتوانستیم بیشتر از محضرشان بهره مند شویم، اما حاج آقا یزدانی در برنامه هفته پیش با همین دید که این قضیه را بپذیریم پاسخ دادند.

همه عزیزان اگر تمایل دارند، می‌توانند در قسمت آرشیو سایت «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» این برنامه‌ها را دانلود کنند و استفاده کنند. حضرت استاد بسیار از محضرشان استفاده کردیم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

موفق و مؤید باشید، خدانگهدارتان باشد.

مجری:

همچنین تشکر می‌کنیم از همه شما عزیزان که تا انتهای برنامه همراه ما بودید. بازهم شهادت امام حسن مجتبی را خدمت همه شما عزیزان تسلیت و تعزیت عرض می‌کنم.

اللهم اجعل محیانا محیا محمد و آل محمد اللهم اجعل ممانتا ممانات محمد و آل محمد اللهم صل علی محمد و

آل محمد

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته